



دکتر سید محسن میرباقری  
عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان

## مقربان و اصحاب یمین و جایگاه آنها در بهشت

### مروری بر مباحث پیشین

در مقالات پیشین عذاب‌های جهنم و نعمت‌های بهشت را بیان کردیم و گفتیم که همه نعمت‌های بهشتی در اختیار بهشتیان قرار دارد و خداوند متعال هر چه را که بهشتیان بخواهند برای آن‌ها آماده می‌کند و حتی نعمت‌هایی بیشتر از خواستشان را به آنان می‌دهد:  
لهم ما یشاوون فیها ولدینا مزید<sup>۱</sup>  
هر چه بخواهند، در آنجا دارند و پیش ما فزون تر [هم] هست.

### درآمد

درجات بهشتیان بسیار است و این اعمال انسان‌هاست که درجه آن‌ها را در بهشت تعیین می‌کند. در مقابل مؤمنان، که در بهشت درجاتی دارند، کافران نیز در جهنم درجاتی دارند. برخی از بهشتیان به سبب این درجات بر دیگر بهشتیان برتری دارند؛ چنان‌که در آیه شریف زیر آمده است:  
انظر کیف فضلنا بعضهم علی بعض و للاحره اکبر درجات و اکبر تفضیلاً<sup>۲</sup>

بنگر که در این دنیا چه سان برخی را بر دیگران فزونی داده‌ایم. و به یقین زندگی آخرت درجات والاتری دارد و در فضل و فزونی، فاصله طبقات آن بیشتر و بزرگ‌تر خواهد بود. با توجه به این درجات و مراتب است که در روایات به مؤمنان امر شده است که برای دستیابی به درجات والای بهشتی با یکدیگر رقابت کنند:  
تنافسوا فی الدرجات<sup>۳</sup>

برای دستیابی به درجات آخرت از یکدیگر پیشی بگیرید. این درجات از جایگاه مؤمنان معمولی آغاز می‌شود و تا

بدانجا می‌رسد که جمعی در والاترین درجات آن، که همان مقام قرب الهی است، قرار می‌گیرند.

### مقربان در بهشت

قرآن کریم انسان‌ها را در قیامت به سه دسته تقسیم می‌کند: و کنتم ازواجاً ثلاثه\* فاصحاب الیمین\* ما اصحاب الیمین\* و اصحاب المشئمه ما اصحاب المشئمه\* و السابقون السابقون\* اولئک المقربون<sup>۴</sup>

شما در آن روز سه دسته خواهید بود: گروهی راستان، اصحاب یمین باشند که چه سعادت‌مندی هستند این اصحاب یمین! و گروهی ناراستان، اصحاب شومی و شقاوت! که چه وضعی دارند این اصحاب شقاوت! و جمعی دیگر که بر همه پیشی گرفته و تقرب یافته‌اند. آنان به حقیقت مقربان درگاه‌اند. قرآن کریم، در ادامه، وضعیت و جایگاه این سه دسته را به این شکل بیان می‌کند:

اصحاب شمال، که همان اصحاب شومی و شقاوت‌اند، در عذاب باد سَموم و آب گرم می‌باشند و در سایه‌ای از دود، که نه خنک است و نه نشانی از کرامت در آن است. اینان همان کسانی هستند که در زندگی پیشین - حیات دنیا - تنها در اندیشه ناز و نعمت بودند و برای رسیدن به متاع دنیا، بر گناه بزرگ و پیمان‌شکنی با خدا، لجاجت و اصرار داشتند. اینان برای راحت ساختن وجدان خویش، قیامت را انکار می‌کردند و می‌گفتند: «آیا چون بمیریم و به خاک و استخوانی پوسیده بدل شویم، باز هم زنده می‌شویم؟ آیا پدران پیشین ما زنده خواهند شد؟» بگو: «البته تمام خلق اولین و آخرین در وعده‌گاه روز معین گرد می‌آیند».<sup>۵</sup>

و اما اصحاب یمین، که همان اصحاب میمنت و مبارکی

**جالب اینکه قرآن کریم، عبارت «ولدان مخلدون» را تنها در دو آیه آورده است:**  
**یکی در همین آیات که دربارهٔ مقربان است، و یک بار هم در سورهٔ دهر (انسان)،**  
**که در آن از اهل بیت پیامبر اکرم (علیهم السلام) سخن رفته است**

بدین گونه که «و لهم حور عین»؛ یعنی، برای آنان حورالعین وجود دارد.<sup>۱۰</sup>

این امکان نیز وجود دارد که «حور عین» به «ولدان مخلدون» عطف شده باشد؛ به این گونه که «و يطوف عليهم ولدان مخلدون... و حور عین» در این صورت، هم ولدان مخلد و هم حوران بهشتی، بر گرد مقربان الهی می‌گردند و به آن‌ها خدمت می‌کنند.

این معنا با عبارات قرآنی نیز تطبیق می‌کند؛ بدین ترتیب که حوران بهشتی، همسران اصحاب یمین هستند، ولی برخی از همین حوران، در خدمت‌گزاری مقربان هستند.

### شواهدی از نظارت مقربان در بهشت

مقربان، در بهشت رضوان، جایگاه ابرار و نیکان را نظاره خواهند کرد. نیکان، همان مؤمنان باتقوایی هستند که به بهشت راه می‌یابند و به نظر می‌رسد که اینان همان اصحاب یمین هستند.

قرآن کریم دربارهٔ جایگاه ابرار و مقربان می‌فرماید:

کلا ان کتاب الابرار لفی علیین\* و ما ادراک ما علیون\* کتاب مرقوم\* یشهده المقربون

هرگز (پندار کافران در انکار قیامت درست نیست)، محققاً دفتر سرنوشت نیکان در بهشت علین است. و چگونه می‌یابی که علیون چه باشد؟ کتابی است که (از جانب خدای رحمان) رقم خورده است. و مقربان بارگاه الهی، این کتاب سرنوشت ابرار را مشاهده می‌کنند و [آن را] زیر نظر دارند.

این بخش از آیه، برتری و عظمت ویژهٔ مقربان را نشان می‌دهد؛ آنان در مقام و منزلتی هستند که جایگاه ابرار را می‌بینند. در ادامهٔ این آیات نکته‌ای دیگر در منزلت والای آنان بیان شده است:

ان الابرار لفی نعیم\* علی الابرار ینظرون\* تعرف فی وجوههم نضرة النعیم\* یسقون من ریحق مختوم\* ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون\* و مزاجهه من تسنیم\* عینا یشرب بها المقربون<sup>۱۱</sup>

محققاً ابرار و نیکان در نعمت‌های بهشت به سر می‌برند، بر تخت‌های عزت تکیه زنند و (مناظر زیبای بهشتی را) نظاره کنند. در رخسارشان نشاط و شادمانی حاصل از نعمت‌ها را می‌یابی. به آن‌ها از جامی سر به مهر می‌نوشانند. مهری که از مشک است و آنان راغب بزم‌اند؛ باید برای این صحنه رغبت نشان دهند. ترکیب و آمیختهٔ آن جام از تسنیم است. همان چشمه‌ای که مقربان الهی از آن می‌نوشند.

قرآن کریم، نعمت‌های ابرار را چنان بیان می‌کند که دل را می‌رباید و با این همه برتری مقربان را نیز به نمایش می‌گذارد: چشمه‌ای است به نام تسنیم، که ویژهٔ مقربان است، اما ابرار را هم از آن بی‌نصیب نمی‌گذارند. در جامی که برای ابرار می‌فرستند، اندکی از چشمهٔ تسنیم می‌ریزند تا طعم آن

هستند، در سایهٔ درختان سدر پرمیوهٔ بدون خار به سر می‌برند و درختان موز، با خوشه‌هایی چیده برهم، پر سایبانی پر دوام از شاخسار درختان، با آبشارهای ریزان و میوه‌های فراوان، که هیچ‌گاه منقطع نشود و هیچ ممنوعیتی در کار نباشد، و فرش‌های رفیع پربها. ما آن حوران بهشتی را با آفرینشی نو آفریدیم که همراه دوشیزه بمانند؛ شیدای شوهرند و همسال و همسر برای اصحاب یمین.<sup>۱۲</sup>

این مقام و منزلت والا و نعمت‌های پرشمار از آن اصحاب یمین است. اما مقربان را منزلتی دیگر است و جایگاهی بس والاتر. در جای‌جای قرآن کریم از جایگاه مقربان و نعمت‌های ویژهٔ آنان سخن رفته است و در برخی آیات، از موهبت‌هایی دربارهٔ مخلصین سخن رفته و در جایی دربارهٔ سرآمد مقربان و اولیای ویژهٔ خدای رحمان، یعنی اهل بیت رسول اکرم (علیه‌السلام)، سخن رفته و نعمت‌های ویژهٔ آنان و قرب و منزلتشان نزد پروردگار بزرگ بیان شده است. در ذیل به پاره‌ای از این آیات اشاره می‌کنیم:

قرآن کریم در سورهٔ واقعه، دربارهٔ مقربان می‌فرماید:

(والسابقون السابقون\* اولئک المقربون\* فی جنات النعیم\* ثلثة من الاولین\* قلیل من الاخرین)<sup>۱۳</sup>

و پیشتران که تقدم یافتند. آنان که مقربان درگاه‌اند، در بوستان‌هایی پر از نعمت‌های الهی مأوی گیرند. جمعی از امت‌های پیشین و اندکی از مردمان پیشین.

سپس دربارهٔ وضعیت آنان می‌فرماید:

علی سرر موضونه\* متکئین علیها متقابلین\* يطوف علیهم ولدان مخلدون\* باکواب و اباریق و کاس من معین\* لا یصدعون عنها و لا ینزفون\* و فاکهة مما یتخیرون\* لحم طیر مما یشتهون\* و حور عین\* کماثال اللولو المکنون\* جزاء بما کانوا یمعملون<sup>۱۴</sup>

در محفل انس دوستان، بر تخت‌های بافته از شاخه‌ها و الیاف‌ها و شاخه‌ها و الیاف‌ها و شاخ‌وبرگ گل‌ها، حلقه‌وار روبه‌روی یکدیگر، بر سریرهای عزت، می‌نشینند. و پسران بهشتی، که حسن و جوانیشان همیشگی است، بر گرد محفلشان به خدمت می‌گردند. با کوزه‌ها و مشربه‌ها و جامی از شراب گوارا؛ از نوشیدن آن سردرد نگیرند و مستی عقل رنج خمار نکشند و نیز با میوه‌های رنگارنگ از آنان پذیرایی می‌کنند تا کدام یک را برگزینند و با مرغ بریان هر مرغی که اشتها دارند و حوران بهشتی سپیداندام و آهوجشم (بر گرد آنان طواف کنند). این به سبب پاداش اعمالی است که در زندگی دنیا انجام داده‌اند.

در این آیات شریف سخن از مجلس ویژهٔ مقربان و «ولدان مخلدون» است. گویا اینان مجلسی ویژه دارند. خدمت‌گزاران مجلس پسرانی مخلد در بهشت‌اند که در این مجلس، از ایشان پذیرایی می‌کنند. در ادامه این آیات می‌فرماید: (و حور عین. کماثال اللولو المکنون).

برخی از مفسران، در اینجا عبارتی را در تقدیر گرفته‌اند؛



اگر بخواهند به نماز آنان نمره دهند از همه نمازها معدل نمی گیرند، بلکه بهترین نمازهایشان را ملاک تعیین درجه نمازگزارى آنان قرار می دهند

دوم آنکه خدای رحمان، گذشته از این محاسبه فوق العاده، از فضل و رحمت خود نیز افزون بر محاسبه به آنان اجر و پاداش می دهد



دلپذیرتر شود و بدین وسیله، ابرار نیز از چشمه ویژه مقربان بهره مند شوند.

### نمونه‌ای از جایگاه مقربان در بهشت

قرآن کریم برای بندگان مخلص خدای رحمان، پاداشی خارج از حساب و فراتر از آن در نظر می گیرد؛ توضیح اینکه اعمال اهل ایمان، در آخرت با ضریب محاسبه می شود، در حالی که بدی‌های آنان یا بخشوده می شود و یا حداکثر برابر عمل کیفر می شوند.

(من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون)<sup>۱۳</sup>  
در این آیه دو نکته درباره جزای اعمال دیده می شود:

الف) کار نیک حتما پاداش داده می شود: «فله عشر امثالها»، ولی درباره کار بد جزا داده نمی شود، جز به اندازه گناه؛ یعنی کیفر آن به صورت قطع و یقین نیست؛ زیرا ممکن است خدای رحمان، به خاطر برخی عبادات یا به دلایلی دیگر، گناه بنده مومن را ببخشد، ولی اگر عفو شامل حال وی نشود و قرار بر این باشد که او مجازات شود، این مجازات حداکثر برابر عمل او است. این تفاوت رفتار الهی در امر مثبت و منفی درباره شکرگزاری و کفران نعمت نیز مشهود است؛ خدای رحمان می فرماید: (لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم ان عذابي لشديد)<sup>۱۴</sup> اگر سپاسگزار نعمت‌های من باشید، حتما و مسلما نعمت‌های خود را بر شما افزون می کنم و اگر کفر و ناسپاسی را پیشه کنید، عذاب من سخت و سهمگین است.

ملاحظه می کنید که در برابر سپاسگزاری با دو تأکید (لام لازیدنکم و نون تأکید ثقلیه) از واژه «لازیدنکم» استفاده کرده و به افزایش نعمت وعده داده است، ولی در برابر کفر و ناسپاسی از واژه «لاعذبنکم»، که وعده قطعی بر عذاب است، استفاده نکرده، بلکه تنها امکان عذاب را مطرح کرده است؛ یعنی، ممکن است عذاب شما را فرا گیرد و چه بسا پیش از رسیدن به مرحله مجازات قیامت (و یا مجازات‌های دنیایی)، خدای رحمان، به خاطر اعمالی نیکو، گناه و ناسپاسی بندگان را می بخشد و آن‌ها را مجازات نمی کند. البته این نکته را هم یادآور می شود که اگر عذابی در کار باشد، سخت و شدید خواهد بود.

ب) نکته دیگری که در این آیه وجود دارد، این است که نیکی‌ها، علاوه بر اینکه حتما پاداش داده می شود، با ضریب ده نیز محاسبه می گردند، اما بدی‌ها، جز با ضریب یک، محاسبه

نمی شود. البته به نظر می رسد که ضریب ده پایین ترین ضریب است؛ زیرا ضرایب بالاتر از آن نیز در متن قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) آمده است؛ قرآن کریم می فرماید:

(مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة و الله يضاعف لمن يشاء و الله واسع عليم)<sup>۱۵</sup>

حکایت آن کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، حکایت آن دانه‌ای است که چون در زمین افشاندن شود، هفت خوشه برآورد و در هر خوشه صد دانه باشد. خدای رحمان از این مقدار نیز بر هر که بخواهد، بیفزاید و خداوند وسعت بخش و دانای اعمال است.

ملاحظه می شود که در این آیه، که پاداش هفتصد برابر را برای انفاق در راه خدا مطرح می کند، از پاداش بیشتر از آن نیز برای بندگان که اخلاص بیشتری دارند، سخن می گوید.

در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «اگر شما دانه خرمايي را در راه خدا انفاق کنید، خدای رحمان آن را می پروراند، همچنان که شما بچه شتر را پرورش می دهید؛ و در روز قیامت انبوهی حسنه به شما می پردازد».

تا اینجا سخن از محاسبه و ضریب محاسباتی است؛ اعمال خیر با ضریب‌های مختلفی محاسبه می شود و این ضریب‌ها به درجه‌های معرفت و اخلاص بندگان مؤمن بستگی دارد. اما قرآن کریم، در برخی موارد، از رزق بی حساب سخن می گوید؛ برای مثال در سوره مبارک نور، درباره مردان الهی که به خانه‌های نورانی اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رفت و آمد می کنند، چنین وعده می دهد:

ليجزيهم الله احسن ما عملوا و يزيدهم من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب<sup>۱۶</sup>

تا خدای رحمان بهترین اعمال و رفتار آنان را پاداش دهد و از فضل احسان خویش بر پاداش آنان بیفزاید و خداوند، هر که را بخواهد، بدون حسابرسی و بیشتر از حد محاسبه روزی می بخشد. در این آیه سه نکته ملاحظه می شود:

نخست اینکه خداوند، به این مردان الهی، معادل بهترین اعمالشان پاداش می دهد. گویا منظور این است که ملاک محاسبه، بهترین عمل است.

و دوم آنکه گویا به این افراد والامقام، نعمت‌هایی خارج از حدود محاسبه نیز عنایت می فرماید.

عنايت‌های ویژه پروردگار بزرگ برای بندگان مخلص خدا نیز به صراحت اعلام شده است. قرآن کریم درباره آنان هم از پاداش خارج از محاسبه سخن می گوید و هم نکاتی خاص را درباره جایگاه آنان در بهشت مطرح می کند؛ چنان که در آیات زیر می فرماید:

و ما تجزون الا ما كنتم تعملون \* الا عبادالله المخلصين \* اولئك لهم رزق معلوم \* فواكه و هم مکرمون \* في جناب النعيم \* على سرر متقابلين \* يطاف عليهم بكأس من معين \* بيضاء لذة للشاربين \* لا فيها غول و لا هم عنها ينزفون \* و عندهم قاصرات الطرف عين \* كأنهن بيض مكنون.<sup>۱۷</sup>

شما به جز به اعمالتان جزا داده نمی‌شوید؛ به استثنای بندگان بااخلاص خدا، آنان را یک روزی معین و درجه مشخصی است. میوه‌های گوناگون، با حرمت و کرامت، به آنان تقدیم می‌شود. در بوستان‌های پرنعمت گرد هم، بر تخت‌ها، قرار می‌گیرند. خادمان بهشتی، جامی از شراب طهور را بر آنان دور می‌گردانند؛ سپید و روشن که نوشندگانش را خوش کام سازد. در آن شراب، آلودگی نیست که تباهی جسم و جان آورد و نه از نوشیدن آن مست گردند. در کنار آنان، حوران فروهشته چشم‌اند که جز بر شوهر خود ننگرند. گویی در سپیدی و لطافت چون تخم پرند نهان در پرده‌اند.

پس از بیان نعمت‌های بالا، نکته دیگری را درباره مخلصین بیان می‌کند:

(قال قائل منهم انی کان لی قرین\* یقول ائتك لمن المصدقین\* اذنا متنا و کنا ترابا و عظاما ائنا لمدينون\* قال هل انتم مطعون. فاطلع فراه فی سواء الجحیم\* قال تالله ان کدت لتردین\* و لو لا نعمة ربی لکنت من المحضرين\* افما نحن بمیتین\* الا موتتنا الاولى و ما نحن بمعذبین\* ان هذا لهو الفوز العظيم\* لمثل هذا فلیعمل العاملون)<sup>۱۸</sup>

این بندگان مخلص از یکدیگر - درباره گذشته دنیا - سؤال می‌کنند یک نفر از آنان می‌گوید: «من در دنیا هم‌نشینی داشتم که می‌گفت: آیا تو واقعا رسالت انبیا را درست می‌دانی و تصدیق می‌کنی؟ واقعا موقعی که ما مردیم و خاک و استخوان گشتیم، زنده می‌شویم و سزا می‌بینیم؟ آیا میل دارید به او سری بزنیم؟» به او سر می‌زند و او را در میان دوزخ می‌بیند. به او می‌گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا هم به سقوط بکشانی. اگر نه آن بود که نعمت هدایت پروردگارم شامل حال من شد، من هم مانند تو در دوزخ بودم. آیا سخت درست درآمد که ما مردنی نداریم؛ جز همان مردن اول که دیگر نه حیاتی در کار است و نه دوزخی و عذابی؟» حقا که این مقام و منزلت که بهشتیان دارند، همان رستگاری بزرگ است. برای نیل به این مقام و منزلت لازم است که اهل طاعت بر طاعت خود بیفزاید.

در آیات بالا از جایگاه بندگان مخلص خدای رحمان سخن رفته است. آنان در مجلس مذاکره خود از گذشته دنیا سخن می‌گویند و دنیا را به‌طور کامل به یاد می‌آورند و این امر گویا برای همه بهشتیان امکان‌پذیر است، اما نکته ویژه این است که این نکته که قرآن کریم درباره مخلصین مطرح می‌کند، درباره عموم بهشتیان دیده نمی‌شود. قرآن کریم، تنها در یک مورد سخن گفتن اصحاب یمین را با جهنمیان مطرح می‌کند، ولی در آنجا از سرکشیدن آن‌ها سخن نرفته است، بلکه سیاق عبارت نشان‌دهنده آن است که در همان محیط بهشت با اهل

جهنم ارتباط کلامی برقرار می‌کنند: فی جنات یتساءلون\* عن المجرمین\* ما سلککم فی سقر\* قالوا لم نک من المصلین\* و لم نک نطعم المسکین\* و کنا نخوض مع الخائضین\* و کنا نکذب بیوم الدین\* حتی اتانا البقین<sup>۱۹</sup>

اصحاب یمین، که در بوستان‌های بهشت مأوی دارند، از احوال دوزخیان می‌پرسند که کدامین کردار زشت، شما را به سلک دوزخیان درآورد؟ می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم و در صدد اطعام مساکین نبودیم و با اهل باطل به بطالت می‌پرداختیم و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم تا آنکه با فرا رسیدن مرگ به یقین رسیدیم».

### بالاترین درجات بهشت

سوره دهر در شأن اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.<sup>۲۰</sup> در این سوره از آن اولیای الهی به «عبدالله» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: ان الابرار یشریون من کأس کان مزاجها کافورا\* عینا یشرب بها عبدالله یفجرونها تفجیرا<sup>۲۱</sup> محققا نیکان از جامی می‌آشامند که آمیخته آن کافور است. چشمه‌ای که «عبدالله» از آن می‌آشامند و آن را می‌شکافند و جاری می‌سازند.

مشاهده می‌شود که چشمه کافور از آن عبدالله دانسته شده است، ولی ابرار و نیکان نیز از آن بی‌نصیب نیستند و در جام آنان، مقداری از آب این چشمه، که ویژگی‌هایی دارد، مخلوط می‌کنند و آن‌ها نیز از این چشمه خاص بهره‌مند می‌شوند. شایان توجه است که در سوره انسان، درباره بهشتی که اهل بیت (علیهم السلام) در آن گام می‌نهند، از نعمت‌ها و عنایاتی سخن رفته است که تنها یک بار در قرآن کریم آمده است و یا مانند «ولدان مخلصون» تنها درباره مقربان بیان شده است. اما آنچه در این سوره درباره بهشت اهل بیت (علیهم السلام) آمده است، تعابیر زیر است:

۱. چشمه کافور که ذکر آن گذشت؛
۲. واژه «زمهریر» که اولیای الهی از آن در امان‌اند؛
۳. واژه «فضه» که تنها در این سوره سه بار آمده است:<sup>۲۱</sup> الف) «بانیه من فضة»؛ طرف‌هایی از نقره (در آیه پانزدهم)؛ ب) «قواریر من فضة»؛ جام‌هایی از نقره (در آیه شانزدهم)؛ ج) «اساور من فضة»؛ دستواره‌هایی از نقره (در آیه بیست‌ویکم)
۴. «زنجبیل» در آیه هفدهم؛
۵. «سلسبیل» در آیه هجدهم؛



برای این بندگان مخلص امکان سرکشیدن به جهنمیان نیز وجود دارد. پس آنان احتمالاً در فضا سفر می‌کنند و از جایگاه خود به منطقه جهنم پرواز می‌کنند و جهنمیان را می‌بینند و با آنان سخن می‌گویند و دوباره به جایگاه خویش باز می‌گردند و این یک رستگاری عظیم و بزرگ است



۶. «ملک کبیر» در آیه بیستم؛

۸ و ۷. «و سقاھم ربھم شرابا طھورا» در آیه بیست و یکم. موارد بالا نشان دهنده این است که جایگاه اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جایگاهی کاملاً ویژه است که حتی نعمت‌های ظاہری خاصی در آن جایگاه وجود دارد، اما آیات بیستم و بیست و یکم نکاتی بسیار مهم را مطرح می‌کنند. الف) در آیه بیستم می‌فرماید: «و اذا رأیت ثم رأیت نعیما و ملکا کبیرا»؛ و چون آن جایگاه را بنگری، نعمت‌های فراوان و سلطنتی بزرگ را خواهی دید.

شایان توجه است که در قرآن کریم، تنها یک بار درباره فرمانروایی و سلطنت در بهشت، سخن رفته و آن هم در سوره دھر است که درباره اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و مخاطب آن نیز شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. این امر می‌تواند نشان دهنده این باشد که سلطان و فرمانروای مطلق بهشت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است و در مرتبه بعدی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سایر امامان اهل بیت و سپس سایر پیامبران قرار دارند؛ تا آنجا که در سلسله مراتب این نظارت، مقربان بارگاه ربوبی شاهد و ناظر بر پرونده ابرار خواهد بود.<sup>۲۲</sup>

این مسئله با روایاتی که درباره اهل بیت یا درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است و آن‌ها را تقسیم‌کننده بهشت و جهنم می‌داند، سازگار است.

ب) در آیه بیست و یکم می‌فرماید:

(و سقاھم ربھم شرابا طھورا)<sup>۲۳</sup>

در این آیه دو نکته مهم وجود دارد: نخست آنکه سقایت آنان به پروردگار نسبت داده شده است و این تعبیر تنها در همین آیه آمده است؛ گویا می‌خواهد بگوید که این افراد به شکلی ویژه مورد عنایت پروردگار بزرگ هستند. نکته دوم یادکرد «شراب طھور» است. تعبیر شراب طھور نیز در قرآن کریم تنها در همین آیه شریف آمده است.

کوتاه سخن اینکه در بهشت رضوان الهی، هر دسته از مؤمنان و شاید هر فرد از آنان، در درجه‌ای ویژه خود قرار دارند. فرد شاخص و سرسلسله اولیای الهی در بهشت، رسول گران قدر اسلام است که فرمانروایی مطلق در آنجا از آن او است و اداره محیط بهشت رضوان، به هر گونه که با آن محیط نورانی متناسب باشد، در دست باکفایت او است و خدای رحمان، به او ملک کبیر عنایت فرموده است و درجات بعدی از آن اهل بیت مطهر او است که سرآمد آنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و حضرت زهرا (علیها السلام) نیز جایگاهی ویژه دارد و این تفاوت همچنان ادامه دارد تا به بهشتیان معمولی می‌رسد. امید است این نکات قرآنی روشنگر پارهای حقایق درباره سرای آخرت ما باشد.

### چکیده

✓ درجات بهشتیان بسیار است و این اعمال انسان هاست که درجه آنان را در بهشت تعیین می‌کند.

✓ در مقابل مؤمنان، که در بهشت درجاتی دارند، کافران نیز در جهنم درکاتی دارند.

✓ در بهشت رضوان مقربان، بر جایگاه ابرار و نیکان نظاره خواهند کرد.

✓ اعمال اهل ایمان در آخرت با ضریب محاسبه می‌شود، در حالی که بدی‌های آنان یا بخشوده می‌شود و یا حداکثر برابر عمل مجازات می‌شوند.

✓ فرد شاخص و سرسلسله اولیای الهی در بهشت، رسول گران قدر اسلام است که فرمانروای مطلق در آنجا از آن او است و اداره محیط بهشت رضوان، به هر گونه که با آن محیط نورانی متناسب باشد، در دست باکفایت او است و خدای رحمان، به او ملک کبیر عنایت فرموده است و درجات بعدی از آن اهل بیت مطهر او است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ق/۳۵
۲. اسراء/۲۱
۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، بیروت مؤسسه الوفاء، ج ۷۱، ص ۳۰۸
۴. واقعه/۱۱-۷
۵. واقعه/۵۰-۴۱
۶. واقعه/۳۸-۳۷
۷. واقعه/۱۴-۱۰
۸. واقعه/۲۴-۱۵
۹. البته در آیه ۲۴ سوره طور عبارت (و یطوف علیهم غلمان لهم کانهم لولو مکتون) را برای جمع دیگری به کار برده است. که تعبیری متفاوت است.
۱۰. رک: مجمع‌البیان و المیزان، ذیل آیه.
۱۱. مطفین/۲۱-۱۸
۱۲. مطفین/۳۸-۲۲
۱۳. انعام/۱۶۰
۱۴. ابراهیم/۷
۱۵. بقره/۲۶۱
۱۶. نور/۳۸
۱۷. صافات/۴۹-۳۹
۱۸. صافات/۶۱-۵۰
۱۹. مدثر/۴۷-۴۰
۲۰. این سوره مبارک در وصف اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که در زمان نزول عبارت بودند از امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام). در این زمینه مدارک فراوانی از شیعه و اهل سنت وجود دارد. این امر به حدی مشهور است که از شافعی، رئیس مذهب شافعی، نقل شده است که در دفاع از خویشتن، در محبت حضرت علی (علیه السلام)، گفته است: «انا مولی لفتی انزل فیه هل اتی الی متی اکتمه الی متی؛ من بنده آن جوانمردی هستم که سوره هل اتی در وصف او نازل شده است. من تا کی می‌توانم این محبت را پوشیده دارم؟» تفصیل بیشتر این مطلب را در کتاب اسباب النزول، دکتر سید محمدباقر حجتی، ص ۴۶-۳۰ ملاحظه کنید.
۲۱. برخی احتمال داده‌اند که ذکر فضه در اینجا شاید به خاطر همراهی خادمه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این روزه سه روزه بوده است.
۲۲. مطفین/۲۱-۱۸
۲۳. انسان/۲۱